

عنوان مقاله:

اعمال حق تعیین سرنوشت از سوی هزاره های افغانستان با جدایی یکجانبه

محل انتشار:

هفتمین کنفرانس ملی دستاوردهای نوین در حقوق و روانشناسی (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

نویسندگان:

مهشید یراقی اصفهانی - استادیار گروه حقوق بین الملل ، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی

احسان هزاره - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل ، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی

خلاصه مقاله:

ناسازگاری اقوام در افغانستان ثمری جز نا امنی های داخلی و منطقه ای و همچنین تضییع حقوق بشری اقلیت های نژادی- مذهبی در بر نداشته است . هزاره ها در حالی که سومین قوم افغانستان محسوب می شوند؛ اما به لحاظ مغایرت مذهب و نژاد بیشترین و طولانی ترین آسیب ها را متحمل شده اند. تحقیق حاضر که با روش تحلیلی-توصیفی و ابزار کتابخانه ای گردآوری شده است به بررسی و مقایسه بین منابع جدایی طلبی و حقوق بشری می پردازد و در پی راهکار مناسب برای توقف این روند و تشکیل کشور یا کشورهای جدید با بافت قومی یکسان می باشد. روش مناسب برای جدایی طلبی هزاره ها روش جدایی یکجانبه می باشد زیرا اولاً در روبه حقوق بین الملل استفاده از این روش منع نشده است و شاید بتوان آن را مجاز قلمداد کرد و ثانیاً در جدایی کوزوو از صربستان این اقلیت نژادی-مذهبی توانست علاوه بر کسب مشروعیت ، در شناسایی آتی نیز آراء سازمان ملل و اتحادیه اروپا را با درصد قابل توجهی کسب نماید. اینکه اساساً جدایی طلبی مورد پذیرش جامعه ملل قرار گیرد بستگی به احراز دلایلی از جمله : ۱- شناسایی و درصد قابل توجه موافقان آن در رسانه ها و سازمان های بین المللی ، ۲- عدم ممنوع بودن جدایی یکجانبه چنانکه قاعده ای من باب منع این عمل در قواعد بین المللی وضع نگردیده است و ۳- استناد به حق تعیین سرنوشت به جهت نقض حقوق بنیادین بشری از سوی گروه ملی آسیب دیده می باشد.

کلمات کلیدی:

جدایی طلبی ، جدایی یکجانبه ، حقوق بشر، افغانستان، هزاره، حقوق بین الملل

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1936221>

